





## Education Strategies Derived from Quranic Anthropology with Emphasis on the Role of Tendencies in Human Nature

- Saeed Beheshti**  Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
- Hasan Maleki**  Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
- Hasan Asadzade**  Associate Professor Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
- Majede Fatemi** \* PhD Student, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

### Abstract

The purpose of this study is to infer educational strategies based on Quranic anthropology. The present study is applied and practical in terms of purpose, qualitative in terms of approach, and inferential in terms of method. The findings of this study are: Man has cognition, tendency and ability to act, and out of the interaction of these three dimensions, the following effects are emerged: tendencies are the essence of human existence and they are strengthened or weakened by awareness and action. Tendencies are divided into two categories: deep - stable and superficial - transient. Tendencies can strengthen or weaken each other. The clearer a person's awareness, the closer it is to their beliefs and more attention is going to be paid to cognition. Besides, frequent reference to this awareness will further strengthen or weaken the tendency. Performing a specific action strengthens both the tendency that supports it and all the tendencies that are appropriate to it and weakens its opposite tendencies. Educational strategies include: paying attention to action and continuous practice of it, paving the way and facilitating and using the environment as a guiding tool, providing education

\* Corresponding Author: majede.fatemi@gmail.com


**How to Cite:** Beheshti, S., Maleki, H., Asadzade, H., Fatemi, M. (2022). Education Strategies Derived from Quranic Anthropology with Emphasis on the Role of Tendencies in Human Nature, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(48), 65-94.

gradually and in accordance with the desires and needs, exhibiting goodness and good deeds to flourish and strengthen innate desires, listening to and benefiting from the advice of mentors and good leaders, using various formats of presenting content and facilitating the passage from superficial and transient desires and tendencies to deep and long-lasting ones.


**Keywords:** Tendency, Awareness, Action, Strategy.

## راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان‌شناختی قرآنی با تأکید بر نقش گرایش‌ها در وجود انسان


استاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سعید بهشتی 


استاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

حسن ملکی 

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

حسن اسدزاده 

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ماجده فاطمی  \*

### چکیده

هدف این تحقیق استنباط راهبردهای تعلیم و تربیت مبتنی بر انسان‌شناسی قرآنی می‌باشد. تحقیق حاضر به لحاظ هدف خود بنیادی-کاربردی، با رویکرد کیفی و روش آن استنتاجی است. یافته‌های این پژوهش عبارتند از: انسان دارای شناخت، گرایش و توانایی عمل است، تأثیرات متقابل این ابعاد سه‌گانه عبارتند: گرایش‌ها گوهره وجود آدمی است که با آگاهی و عمل تقویت و تضعیف می‌شوند. گرایش‌ها به دو دسته عمیق - پایدار و سطحی - زودگذر تقسیم می‌شود. گرایش‌ها می‌توانند همدیگر را تقویت یا تضعیف کنند. آگاهی در صورت فعال بودن گرایش‌ها متناسب با آن، بر گرایش دیگری تأثیر می‌گذارد. هرچقدر آگاهی روشن‌تر باشد به همان میزان به باور نزدیک‌تر و توجه بیشتر به شناخت و رجوع مکرر به آن باعث تقویت و تضعیف بیشتر گرایش خواهد شد. انجام عمل خاص، هم گرایش‌پشتوانه خود و هم، همه گرایش‌های متناسب با آن را تقویت و گرایش‌های متضادش را تضعیف می‌کند. راهبردهای تربیتی عبارتند از: توجه به عمل و بهره‌گیری مستمر از آن، بستر سازی و تسهیل‌گری و استفاده از محیط به عنوان ابزار هدایت، ارایه شناخت به صورت تدریجی و متناسب با تمایلات و نیازها، عرضه خوب‌ها و خوبی‌ها

۶۸ | فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۴۸ | بهار ۱۴۰۱

جهت شکوفایی و تقویت امیال فطری، بهره‌گیری از هادیان اهل رشد و تزکیه، بهره‌گیری از قالب‌های متنوع ارائه محتوا و زمینه‌سازی جهت گذر کردن از علایق چگونگی انسان، گرایش، آگاهی، عمل، راهبرد. سطحی و ناپایدار به علایق عمیق و پایدار

کلیدواژه‌ها: گرایش، آگاهی، عمل، راهبرد.

## ۱. مقدمه

نگاه هر مکتب تربیتی به انسانی، مبنای تجویزات آن می‌باشد. لذا پرداختن به مبانی انسان‌شناختی در فلسفه تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌شناسی از قدیمی‌ترین علوم می‌باشد. جهان غرب از لحاظ تاریخی سه دوره فلسفی، دینی، علمی را در رابطه با انسان‌شناسی گذرانده است (ر.ک؛ واعظی، ۱۳۷۷) همچنین انسان‌شناسی به تجربی، شهودی، فلسفی و دینی تقسیم می‌شود (ر.ک؛ خسروپناه، ۱۳۸۹) در این میان انسان‌شناسی دینی که حاصل مراجعه به متون دینی است؛ مطمئن‌ترین راه برای شناخت انسان است، چرا که حقیقت انسان را جز خالقش نمی‌تواند به دقت بیان نماید.

در انسان‌شناسی اسلامی سه عرصه چستی و چگونگی و چرایی متناظر با علت مادی، صوری و غایی در فلسفه، مطرح است که اولی به دارایی‌های انسان شامل ادراکات، گرایش‌ها و عمل دومی به تأثیرات متقابل این دارایی‌ها بر هم و سومی به علت وجودی انسان یعنی هدف از خلقت انسان می‌پردازد.

در واقع منظور ما از چستی «شناختن انسان است از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۱) و آنگاه که از چگونگی سخن به میان می‌آید منظور تاثیر و تأثری است که هر یک از این دارایی‌ها بر دیگری دارد. برای مثال ادراک انسان بر عمل و گرایش او چه تأثیری خواهد داشت؟ و... چگونگی انسان به مباحثی چون روند شکل‌گیری عمل در وجود انسان، ایجاد هر نوع اندیشه و پدید آمدن هر علاقه‌ای در درون وی، نحوه تأثیرگذاری و تاثیرپذیری انسان و... می‌پردازد. از آن جا که تربیت نیز در صدد کنترل و تغییر عمل آدمی می‌باشد لذا مباحث چگونگی انسان در تربیت کاربرد بیشتری خواهد داشت.

علاوه بر این، توجه به (راهبرد) در طراحی نظام تربیت به عنوان جهت‌گیری‌های اساسی برنامه‌های تربیتی؛ این امکان را به مربی می‌دهد که در هنگامه‌ی عمل بتواند بر اساس اولویت‌ها تصمیم بگیرد. به عبارت دیگر لازم نیست مربی در فرایند تربیت به دنبال

تقویت همه خوبی‌ها در وجود متربی باشد، بلکه کافی است زمینه رشد خوبی‌های کلیدی را بوجود آورد تا به دنبال آن‌ها سایر خوبی‌ها نیز تقویت شوند.

بر همین اساس پژوهش حاضر به راهبردهای تعلیم و تربیت ماخوذ از چگونگی انسان با تأکید بر جایگاه گرایش‌های انسان در قرآن در قالب دو پرسش: ۱. تأثیر آگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش و عمل بر گرایش (که بیشترین دلالت‌ها را در زمینه راهبردها داشته‌اند) چگونه تبیین می‌گردد؟ و ۲. دلالت‌های تربیتی روابط سه‌گانه تأثیر آگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش و عمل بر گرایش در زمینه راهبردهای تربیتی کدامند؟، می‌پردازد. بنابراین ابتکار ویژه این تحقیق مبتنی نمودن راهبردهای تربیتی بر چگونگی انسان می‌باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

چگونگی انسان به طور پراکنده و ضمنی، ذیل مباحث دیگر در برخی کتب متأخرین مانند شهید مطهری (در حکمت‌ها و اندرزها)، علامه مصباح یزدی (در انسان‌سازی، خودشناسی برای خودسازی، معارف قرآن) و آیت‌الله حائری شیرازی (در تعلق محور وجودی انسان، انسان‌شناسی) ذکر شده و پنهان این مباحث را به طور منسجم بیان کرده‌است.<sup>۱</sup> همچنین باقری (۱۳۸۲) تحت عنوان نظریه عمل اسلامی معتقد است عمل تعیین‌کننده شخصیت آدمی است و بر اساس سه مبدا معرفتی، گرایشی و ارادی تحقق می‌یابد. قربان‌زاده (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «تبیین نسبت بین شناخت و عمل در حوزه اخلاق از منظر خواجه نصیر طوسی، فیض کاشانی، مهدی نراقی» به مقایسه نسبت بین شناخت و عمل در حوزه اخلاق از دیدگاه خواجه نصیر طوسی و فیض کاشانی و مهدی نراقی پرداخته‌است، که تأثیرات متقابل شناخت و عمل و گرایش را در شکل‌گیری فعل اخلاقی تبیین نموده‌است. در پژوهش‌های دانشگاهی و اکثر پایان‌نامه‌ها نگاه متفکران اسلامی و غیر اسلامی به انسان مبنا قرار گرفته‌است و تلاش کمتری در خصوص بهره‌گیری مستقیم از منابع دست اول

راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان‌شناختی قرآنی...؛ بهشتی و همکاران | ۷۱

اسلامی با هدف استنباط دلالت‌های تربیتی صورت گرفته‌است. همچنین اغلب پژوهش‌هایی که با هدف شناخت انسان بر مبنای قرآن صورت گرفته، به جزئی از آدمی پرداخته و فقدان نگاه جامع به چیستی و چگونگی و چرایی انسان به چشم می‌خورد لذا نگارنده قرآن را به عنوان منبع اصلی تبیین چگونگی انسان در این تحقیق در نظر گرفت. چرا که می‌توان در مباحثی که پرداختن به چیستی و چرایی انسان ضرورت دارد از نتایج تحقیقات مفصل پیشین استفاده نمود.

صدری فر (۱۳۹۲) در پژوهشی به راهبردهای تربیتی بدون ابنا نمودن بر شناخت انسان، در سه محورینشی/شناختی (دعوت به تعقل و تفکر، توجه دادن به معاد و آخرت- اندیشی، یادآوری نعمت‌ها، عبرت‌آموزی)، گرایشی (پرورش ایمان، پرورش محبت، توبه و بازگشت، انذار و تبشیر، پاداش و تنبیه) و رفتاری (بیان الگوی اخلاق تربیتی در عمل، اسوه- سازی، تعظیم شخصیت مربی، تذکر و آزمایش و ابتلا) از دیدگاه قرآن پرداخته‌است. از نظر نگارنده موارد فوق، ذیل راهبردهای برآمده از مبانی انسان‌شناختی جا می‌گیرد.

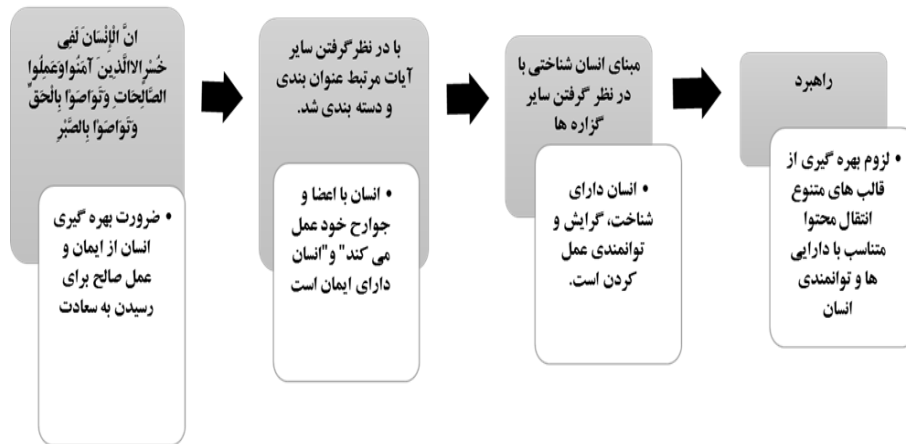
### ۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف خود، بنیادی-کاربردی با رویکرد کیفی و با استفاده از روش استنباطی انجام شده‌است. روش استنباطی «در مرحله استنتاج یک گزاره اکنون نامتحقق تربیتی از یک گزاره پیش از این متحقق فلسفی به کار می‌رود» (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۱) در این تحقیق ضمن کشف وضعیت موجود (تبیین تاثیرات روابط سه‌گانه) به تبیین پیامدهای آن (استخراج دلالت‌های تربیتی در زمینه راهبردهای تربیتی) پرداخته شد. به عبارت دیگر پژوهشگر در این تحقیق چگونگی انسان در قرآن را مبنا قرار داده و آن را کاربردی نموده است. «کاربردی کردن در اینجا به معنای استخراج دلالت‌ها یا استلزام‌های دیدگاه فلسفی معینی برای عرصه‌های تعلیم و تربیت است» (باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱) «گاهی اوقات پژوهشگران می‌خواهند از سایر رشته‌ها از فلسفه‌های مختلف، از رشته‌های پایه‌ای، از یک چارچوب، از یک نظریه، از یک مدل، از یک ایده ابتدایی مطرح در سایر رشته‌ها

رهنمودهایی قرض کنند و آن را در حوزه تخصصی خود به کارگیرند، نویسنده به این عمل دلالت پژوهی اطلاق می‌کند» (دانایی فر، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹).

در این روش ابتدا محقق «به جست و جوی گزاره‌های فلسفی در دستگاه فلسفی مورد نظر می‌پردازد و آن‌ها را هم می‌یابد و هم دوباره فهم می‌کند» (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۲) سپس آن را پردازش کرده و گزاره‌های تربیتی را استنتاج و پردازش می‌کند. به این ترتیب «تمام گزاره‌های فلسفی و تربیتی به دست آمده و فهم شده، همراه با نسبت ابتدای میان آن‌ها در قالب یک کلان نظام جامع و نوین اندیشه‌ای و در دو بخش فلسفی و تربیتی قالب بندی و بازنگاری می‌شود» (همان: ۵۷) در این تحقیق نیز ابتدا آیات قرآن و ترجمه آن خوانده و دریافت پژوهشگر در قالب یک گزاره نوشته شد. سپس با نکات تفسیری المیزان علامه طباطبائی و معارف قرآن علامه مصباح تطبیق داده شد. در مرحله بعد گزاره‌ها معنون و دسته‌بندی گردید. سپس راهبردها استنباط شدند. از طرفی ضمن مطالعه آیات، این راهبرد تربیتی بارها و بارها با مطالعه قرآن به چشم پژوهشگر می‌آمد. همچنان‌که بهشتی (۱۳۸۵: ۱۲۲) معتقد است: «پژوهش لیمی از مبانی فلسفی اسلامی آغاز می‌شود و به تعلیم و تربیت اسلامی دامن می‌گستراند... اما پژوهش اِنی پژوهشی است که با رویکردی ثبوتی و نه اثباتی از مفاهیم و گزاره‌های موجود و محقق تعلیم و تربیت اسلامی آغاز می‌کند و می‌کوشد تا با جست و جو در لابه‌لای متون و منابع فلسفه اسلامی، بنیان‌های فلسفی مطابق با آن‌ها را بازیابی، کشف یا خلق کند.»





نمودار ۱: مراحل روش تحقیق

#### ۴. تعریف راهبرد

راهبرد در لغت و اصطلاح به عنوان «سیاست‌گذاری» (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۹۵)، «برنامه‌ریزی و سیاست برای رسیدن به یک هدف» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۹)، «آمادگی و برنامه‌ریزی بلند مدت و گسترده» (رابرتسون، ۱۳۷۵: ۱۲۲)، «دانش یا فن بهره‌گیری از امکان‌های سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی برای تأمین بیشترین حمایت از سیاست پیش‌بینی شده» (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۹۵) آمده است. بنابراین می‌توان راهبرد را به معنای جهت و راه وصول به اهداف، و راه و روش‌هایی که اهداف بلند مدت از طریق آنها محقق می‌شود، به کار برد.

«راهبرد تربیتی یعنی استراتژی و سیاست‌گذاری و برنامه‌های کوتاه مدت و یا بلند مدت و نوع فعالیت‌های مربی برای شکوفایی و هدایت متربی. راهبردهای تربیتی در تدوین بیان و هدف دار کردن برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثرند. این راهبردها جهت‌گیری اساسی و اصلی برنامه‌های تربیتی انسان را به سمت دریافت‌های معنوی هدایت می‌کند» (صدری فر و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

## ۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. تاثیر آگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش و عمل بر گرایش (که بیشترین دلالت‌ها را در زمینه راهبردها داشته‌اند) چگونه تبیین می‌گردد؟

انسان با گستره وجودی نسبت به سایر موجودات طبیعی، دارای ماموریت رسیدن به قرب الهی در پرتو عبودیت می‌باشد. هر چند از دیدگاه قرآن، محیط تاثیرگذار بر انسان می‌باشد لیکن در آیات بسیاری خداوند عدم مقهوریت آدمی را در رابطه با سایر نیروهای مؤثر چون محیط و شرایط اجتماعی و فردی به رسمیت شناخته‌است. چرا که وی انتخابگر و بر انجام عمل تواناست. انسان دارای شناخت، گرایش و توانایی عمل است؛ بنابراین در بحث از چگونگی انسان می‌بایست به تبیین تاثیرات متقابل این سه بعد پرداخت. لیکن در این مقاله صرفاً به بیان آن بخش از تاثیرات متقابل ابعاد سه‌گانه انسان می‌پردازیم که راهبردهای تربیتی از آن استخراج شده‌است. به بیان دیگر تاثیرات متقابل ابعاد سه‌گانه شامل ۹ رابطه (آگاهی بر آگاهی، آگاهی بر گرایش، آگاهی بر عمل، گرایش بر آگاهی، گرایش بر گرایش، گرایش بر عمل، عمل بر آگاهی، عمل بر گرایش، عمل بر عمل) می‌باشد. در این مقاله روابط سه‌گانه (آگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش و عمل بر گرایش) که ارتباط مستقیم با راهبردهای استخراج شده دارد، تبیین شده‌است.

### ۵-۱-۱. گرایش گوهر وجودی انسان

هر انسانی در وجود خود اموری از جنس میل و کشش، علاقه یا تنفر می‌یابد که با اموری چون علم و آگاهی متفاوت است. قرآن کریم در آیات ۱۲ حجرات و ۱۵۴ بقره به گرایش‌ها توجه نموده و آن‌ها را در آیات ۲۰ انعام و ۱۴۶ بقره منشأ عمل و حتی تصدیق و تکذیب آگاهی‌ها شناخته‌است.

در سوره شعرا آیه ۸۸-۸۹ به اهمیت قلب در وجود انسان اشاره شده‌است «در آن روز مال و اولاد سودی نمی‌دهد و لیکن هر کس با قلب سلیم نزد خدا آید از سلامت قلب سود می‌برد» آیات ۲۱ اسرا و ۲۸۴ بقره نیز دارای همین مضمون هستند. همچنان که

طباطبائی (۱۳۷۴: ۴۰۴) می‌نویسد «خلاصه مفاد کلام این می‌شود که مدار سعادت در آن روز بر سلامت قلب است، چه اینکه صاحب آن قلب سالم در دنیا مال و فرزندی داشته باشد و یا نداشته باشد» اهمیت قلب به حدی است که ملاک تمایز انسان‌ها در آخرت قرار گرفته است در آیه ۲۱ اسرا می‌فرماید: «بین چگونه بعضی را بر بعضی برتری دادیم، تازه این برتری‌ها دنیوی است برتری آخرت بیشتر و بزرگتر است» «برتری در دنیا به جهت اختلاف در اسباب مادی و محدود دنیوی است، و دنیا دار تزاخم است، در نتیجه برتری‌های آن هم محدود می‌باشد، اما برتری‌های آخرت به جهت اختلاف اسباب وجودی نیست، بلکه به جهت اختلاف جان‌ها و دل‌ها در ایمان و اخلاص می‌باشد که همه از احوالات قلب است» (کمال مصطفی شاکر، ترجمه مشایخ، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۸) همچنان که آیه ۲۸۴ سوره مبارکه بقره محاسبه‌بندگان را بر معیار حالات و ملکات قلبی آنان، چه اظهار بشود، و چه نشود، می‌داند. این آیه شریفه تنها بر احوال و ملکات نفسانی‌ای دلالت دارد که منشأ صدور افعال هستند، چه فعل اطاعت و چه معصیت، و خدای سبحان انسان‌ها را با آن احوال و ملکات محاسبه می‌کند. گویی انسان با همین تمایلات در جهان باقی نیز جاودان است همچنان که در آیه ۱۰۲ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ» (انبیاء/ ۱۰۲).

علی‌رغم این که در آیات قرآن قلب همسنگ با مفهوم نفس است و شامل ادراکات و گرایش‌ها می‌شود، لیکن با مرور آیات بقره ۱۵۵ و ۲۱۴، آل عمران ۲۰۰، نحل ۴۲ و ۹۶ و ۱۲۷، هود ۱۰ و ۱۱، انفال ۶۶، رعد ۲۴، شعرا ۷۵، شوری ۴۳، احقاف ۳۵، یوسف ۹۰، فصلت ۳۵، بقره ۱۵۵ و ۲۱۴، آل عمران ۲۰۰، نحل ۴۲ و ۹۶ و ۱۲۷، هود ۱۰ و ۱۱، انفال ۶۶، رعد ۲۴، شعرا ۷۵، شوری ۴۳، احقاف ۳۵، یوسف ۹۰، فصلت ۳۵، فاطر ۳۲ و ۴۳، لقمان ۷، اعراف ۳۵ و ۳۶، مایده ۸۳، مایده ۳۲، نسا ۳۲ در می‌یابیم که قلب سلیم و طاهر، فاقد استکبار (تکبر) و حسادت و واجد صبر و استقامت است. و این صفات که از سنخ گرایش‌های تثبیت شده هستند باعث برتری آدمیان بر هم در آخرت می‌باشند.

یکی از مصادیق گرایش، آرزوست. آنچه که انسان به آن گرایش دارد و می‌خواهد به آن برسد. آیت‌الله حائری (۱۳۹۷: ۱۲) من هرکس را تعلق و آرزوی او می‌داند و می‌نویسد: «من یعنی آن چه به او تعلق دارم یعنی متعلقات من. من هرکسی به وسعت آرزوی اوست. اگر آرزوی انسان ضربه پذیر بود من انسان آسیب پذیر خواهد بود اگر آرزوی انسان آسیب ناپذیر بود آن انسان آسیب ناپذیر خواهد بود.» بنابراین آرزوی انسان جهت وی را تعیین کرده و می‌تواند موجب تمایز انسان‌ها از هم شود. «قرآن به همین دلیل برای درجه‌بندی و تقسیم‌بندی انسان‌ها و فرق بین متقی و غیر متقی بر آرزو تکیه می‌کند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ...» این تقسیم‌بندی بر اساس آرزوست. نمی‌گویند کسانی که در زمین به مقامی نرسیده‌اند؛ بلکه می‌گویند کسانی که (نمی‌خواهند) به مقام دنیا برسند» (همان: ۳ و ۱۴)

بنابراین گرایش انسان گوهره وجودی اوست که جهت زندگی دنیا و عقابیش را تعیین می‌کند. از این رو می‌توان گرایش را محور وجود آدمی دانست.

### ۵-۱-۲. تأثیر گرایش بر گرایش

گرایش‌های مهم و اساسی انسانی همان امیال فطری هستند که خود مصادیق متعدد و متنوع با سطوح مختلف دارند. به عبارت دیگر تمام علاقه‌مندی‌ها و تنفرات آدمی بر پایه امیال فطری شکل می‌گیرند. گرایش‌ها به دو دسته عمیق - پایدارمانند میل به قدرت برتر و سطحی - زودگذرمانند میل به رفع تشنگی تقسیم می‌شود. حب دنیا از گرایش‌های سطحی و گذرا و حب‌الله از گرایش‌های عمیق و پایدار محسوب می‌شوند. چنانچه گرایش‌های سطحی و گذرا در طول گرایش‌های عمیق و پایدار نباشند، انسان را به دو جهت متفاوت سوق می‌دهند. «کثرت آرزوها به یک وحدت منتهی می‌شود... یعنی متعدد بودن آرزوها با برگشت همه آن‌ها به یک آرزو منافاتی ندارد. آرزوها در طول یکدیگرند و تعدد ندارند؛ بلکه در حقیقت واحدند... هر جا آرزویی در طول آرزوهای دیگر نبود، با آن‌ها تعارض پیدا می‌کند... اگر این حب دنیا در طول حب خدا شد، این دیگر حب دنیا نیست، که حب خداست» (حایری شیرازی، ۱۳۹۷: ۸۲) به نظر می‌رسد از همین روست که خداوند هنگام

راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان‌شناختی قرآنی...؛ بهشتی و همکاران | ۷۷

بیان‌گرایش‌های این جهانی، انسان را به آخرت توجه می‌دهد. قرآن در آیات ۷۷ نساء و ۲۰ حدید خیر دنیا را متاع قلیل و غرور می‌نامد و در مقابلش، در آیات ۱۷ اعلیٰ، ۲۲ بقره و ۱۴ آل عمران خیر و ابقی، رزق بغير حساب و حسن ماب را معرفی می‌کند. «انسان برای ابدیت ساخته شده است و تعلق به فانی، به منزله طوقی آهنی است که بر درختی در حال رشد قرار دهند» (حایری شیرازی، ۱۳۷۲: ۷۲).

گرایش‌های انسان بعضاً با هم، متناسب و هم‌جهت مانند میل به قدرت برتر هم‌جهت با میل به سالم بودن خود و گاهی متعارض و متزاحم میل به خوردن نوشابه متعارض با میل به سلامتی می‌باشند. «لذت کم‌تر و محدودتر فدای لذت بیشتر و پایدارتر می‌شود. همچنین تحمل رنج مختصر برای رسیدن به لذت زیاد و پایدار، و گذشتن از لذت مختصر برای رهایی از رنج بسیار مقتضای عقل و فطرت آدمی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۳۷). «از این رو انسان در همه حال بین گرایش‌های خود دست به انتخاب می‌زند. همه خواست‌های انسان یک‌جا برای وی حاصل نمی‌شود؛ به دلیل محدودیت خاصی که از ویژگی‌های زندگی مادی است و انسان ناگزیر است در بین این منابع محدود و غیرقابل جمع، یکی را برگزیند... میان هدف‌نهایی ارزشمند از یک سو و انگیزه‌ها و اهداف پایین‌تر از سوی دیگر نیز نوعی تزاحم و تعارض وجود دارد؛ ولی رسیدن به آن هدف‌نهایی ارزشمند، تعیین‌کننده کمیت و کیفیت و جهت ارضای سایر خواست‌ها و تمایلات است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۲).

### ۳-۱-۵. تأثیر آگاهی بر گرایش

#### ۱-۳-۱-۵. آگاهی بر گرایش تأثیر دارد

آیاتی که به تأثیر آگاهی بر گرایش اشاره دارد، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول علم را به عنوان یکی از عناصر بعد آگاهی، علت گرایش‌های خشیت و تواضع بندگان می‌داند. در آیه ۲۸ سوره فاطمی فرماید: «بندگان خدا تنها دانایان از او بیم دارند و خدا نیرومند و آمرزنده است». «علماء به لحاظ عالم بودنشان این گونه‌اند؛ یعنی، این علم و معرفت آنها است که حالت و کیفیت نفسانی خشیت الهی را در روانشان ایجاد می‌کند» (مصباح یزدی،

۱۳۸۰: ۳۴۲-۳۴۳) و در آیه ۱۰۷ اسرا می‌فرماید: «بگو قرآن را باور کنید یا باور نکنید کسانی که پیش از این علم داده شده‌اند، وقتی قرآن بر آنها خوانده شود بر چانه سجده کنان به زمین می‌افتند». «مقصود از اینکه فرمود: (قبل از آن علم داده شدند) این است که برای فهم کلمه حق و قبول آن مستعد شدند چون مجهز به فهم حقیقت معنای حق گشته بودند، در نتیجه حق بودن قرآن کریم هم، در دل‌های ایشان ایجاد خضوع بیشتری کرده‌است» (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، جلد ۱۳: ۳۰۷)؛ دسته دوم آیاتی که برخی از معارف را به عنوان یکی از عناصر بعد آگاهی، باعث تثبیت گرایش‌های قلب می‌داند. در آیه ۱۲۰ هود می‌فرماید: «از اخبار پیغمبران همه را برایت نقل می‌کنیم (البته) آن را که (با نقلش) دلت را استوار می‌سازیم...». آیه تصریح می‌کند با برخی آگاهی‌ها، قلب پیامبر تثبیت می‌شود.

#### ۵-۱-۳-۲. تأثیر آگاهی بر گرایش غیرقطعی است و آگاهی در صورت فعال

بودن گرایش‌های متناسب با آن، بر گرایش دیگری تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین شرط تأثیر آگاهی بر گرایش، وجود گرایش‌های متناسب تقویت شده می‌باشد. برای مثال اگر گرایش به سلامتی در فردی قوی و گرایش به تنبلی و راحت‌طلبی و لذت جویی در او ضعیف باشد، به محض دریافت گزاره‌ای چون «نوشابه برای بدن ضرر دارد» یا «ورزش برای سلامتی ضرورت دارد»، نسبت به نخوردن نوشابه و انجام ورزش گرایش پیدا می‌کند. به اعتقاد مصباح یزدی (۱۳۸۰) هرچند معرفت بر گرایش تأثیر دارد؛ لیکن آگاهی، علت تامه تقویت یا تضعیف امیال نیست، بلکه جزالعله محسوب می‌شود. به این معنا که لازم است شرایطی حاصل باشد تا معرفت اثرگذار گردد. در آیه ۲۲ و ۲۳ سوره زمر می‌فرماید: «آیا کسی که خدا سینه‌اش را پذیرای اسلام کرد و در نتیجه همواره با نور الهی قدم برمی‌دارد چون سنگ دلان است. پس وای بر سنگ دلانی که یاد خدا دل‌هایشان را نرم نمی‌کند آنان در ضلالتی آشکارند. خدا بهترین سخن را نازل کرده کتابی که ابعاضش بهم مربوط و به یکدیگر منعطف است آنهایی که از پروردگارشان خشیت دارند از شنیدنش پوست بدنشان جمع می‌شود و در عین حال پوست و دلشان متمایل به یاد

خدا می‌گردد این هدایت خداست که هر که را بخواهد با آن هدایت می‌کند و کسی که خدا گمراهش کند دیگر راهنمایی نخواهد داشت.» این آیه به دو گروه از انسان‌ها اشاره دارد: «آنان که دل‌هایشان تحت تاثیر ادراکات و معارفی که پیدا می‌کنند قرار گرفته و در نتیجه، خوف و خشیت و حالاتی نظیر آن‌ها در دلشان و تغییر و تحول مثبت در رفتارشان پدید می‌آید و گروه دیگر کسانی که سنگ‌دلند، تحت تأثیر چیزی قرار نمی‌گیرند و درباره آن‌ها تعبیر قساوت را به کار می‌بریم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۴۴).

بنابراین ارائه آگاهی در صورتی مفید است که متناسب با گرایش‌های فعال هر فرد باشد. به تعبیر مصباح یزدی به تجربه دریافته‌ایم که گاه با شناخت معنایی، احساس و تأثیر خاصی در ما ایجاد شده به حدی که همان تأثیر، میل یا تنفر ما را نسبت به انجام یا ترک عمل خاص برمی‌انگیزاند، اما زمان‌هایی، معنایی جدید را یاد گرفته‌ایم اما تحت تاثیر آن قرار نگرفته‌ایم. حتی تجربه کرده‌ایم که شناخت واحد در دو فرد تأثیر متفاوت داشته است (ر.ک؛ مصباح یزدی: ۱۳۸۰). بنابراین آگاهی بر گرایش صرفاً با فعال بودن گرایش‌های متناسب با آن آگاهی، تاثیر دارد. حایری شیرازی (حایری شیرازی، ۱۳۹۷: ۹) در کتاب "تعلق محور تحول انسان" به خوبی این مطلب را تبیین می‌کند: «وقتی من، متعلق به حد محدودی باشم، از آگاهی‌ام به عنوان مانعی بر سر راهم عبور می‌کنم. یعنی از روی آگاهی‌ام می‌پریم و به آن چیزی که به آن تعلق دارم می‌رسم؛ آگاهی‌ام را می‌پوشانم تا مزاحم من نباشد. با آگاهی‌ام می‌جنگم برای اینکه به آن آرزوی خودم برسیم؛ سعی می‌کنم ندانم، نشنوم و نفهمم...» «آگاهی بدون تعلق به مقام اعلا و تعلق به مقام دون، مساله‌ای را حل نمی‌کند. یعنی داشتن آگاهی بی‌نتیجه است» (همان: ۱۰)

مفید بودن آگاهی مشروط بر فعال بودن گرایش‌های متناسب با آن است و گرنه آسیب‌های بیش از فایده آن است. امام خمینی نیز در کتاب "جهاد اکبر" به تأثیر آگاهی بر گرایش در صورت فعال بودن گرایش‌های متناسب با آن، در هنگام کسب آن آگاهی اشاره می‌کند. «علم نور است، ولی در دل سیاه و قلب فاسد دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد. علمی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، در نفس دنیا طلب باعث

دوری بیشتر از درگاه ذی‌الجلال می‌گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۷) برای ارائه آگاهی، می‌بایست نیاز و علاقه‌مندی‌های مخاطب را در نظر گرفت و در صورت عدم گرایش‌های متناسبِ فعال، ابتدا نیازسازی کرده و از دریچه علاقه‌مندی‌های دیگر، تمایلات متناسب را فعال نمود و سپس آگاهی را ارائه کرده تا آن آگاهی، گرایش بعدی را تقویت یا تضعیف نماید.

#### ۵-۱-۴. تأثیر عمل بر گرایش

عمل، هر چند متأثر از گرایش‌هاست ولی به مجرد اینکه واقع شد، نه تنها همان گرایش پشتوانه خود، بلکه تمام گرایش‌های متناسب با آن را تقویت کرده و تمام گرایش‌های متضاد با آن را تضعیف خواهد کرد. همچنین مداومت انسان بر عملی خاص، موجب ایجاد علاقه و انس، نسبت به آن عمل، یا زمان و مکان وقوع آن، یا سایر متعلقات آن عمل می‌گردد. بعد از انس گرفتن، انجام آن عمل، آسان‌تر شده و انسان آن را با عشق و علاقه بیشتری انجام می‌دهد و طبیعتاً تأثیر آن عمل، نیز دو چندان می‌گردد. از طرف دیگر انس گرفتن، مانع از این می‌شود که انسان به سادگی آن عمل را ترک نماید.

مشخص است که بروز این تأثیرات با مداومت در انجام یا ترک عملی حاصل می‌شود. برای مثال فردی که از خوردن نوشابه خودداری می‌کند، اگر مداومت کند به تدریج نسبت به نوشابه بی‌میل می‌شود. در روایات نیز به مداومت در اعمال اشاره شده است. آیات زیر به اثرگذاری عمل بر گرایش به صورت‌های مختلف اشاره کرده است:

در سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۱ می‌فرماید: «کسانی که ما کتاب به ایشان دادیم و آن طور که باید، آن را خواندند آنان به این کتاب نیز ایمان می‌آورند». خواندن قرآن به عنوان عمل بر ایمان به عنوان گرایش تأثیر می‌گذارد. «نشانه دیگر مؤمن این است که وقتی آیات خدا بر آنان فروخوانده می‌شود، یا خودشان می‌خوانند یا کس دیگری برای آن‌ها این آیات را فرو می‌خواند، ایمانشان افزون می‌گردد، زادتهم ایماناً» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۶۷).



در آیه ۲۰۶ بقره به تاثیر انجام گناه به عنوان یک عمل بر تقویت یک گرایش متناسب با آن عمل در قلب اشاره دارد: «و وقتی به ایشان گفته می‌شود از خدا بترس دست‌خوش آن غروری می‌شوند که گناه در دلشان ایجاد کرده تنها درمان دردشان جهنم است که بد قرارگاهی است». «منافقین در اثر نفاق که در سینه دارند و به جهت گناهانشان دارای حالت نخوتی هستند که در برابر خدا و حق تسلیم نمی‌گردند» (شاکر، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴۴) و یا در آیه ۲۶۵ بقره اشاره می‌کند که انفاق، گرایش‌های متناسب با خود را در انسان تثبیت می‌کند «و حکایت آنان که اموال خود را به طلب رضای خدا و استواری دادن به دل‌های خویش انفاق می‌کنند...». «منظور از تثبیت نفس آنست که نفس خود را بر ثبات در نیت خالص و پاک مستقر نماید» (همان: ۱۹۵) آیه می‌فرماید: کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و پایدارساختن [فضایل انسانی در] نفس خود، انفاق می‌کنند، اینگونه-اند... قبلاً گفته شد گرایش‌ها گوهره وجود آدمی‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد در این آیه نیز منظور از تثبیت انفس، تثبیت دل، علاقه‌مندی‌ها و گرایش‌های وجود آدمی است. در آیات نسا/۱۴۰؛ انعام/۶۸-۶۹؛ مائده/۴۱؛ اسرا/۱۰۷ و ۱۰۹؛ بقره/۲۰۶ و توبه/۲۳ اشاره به این نکته دارد که دوستی با کفار به عنوان یک عمل بر دل‌هایشان به عبارت دیگر گرایش-هایشان، علاقه‌مندی‌ها و خواست‌هایشان اثر می‌گذارد. «دوستی با کفار باعث می‌شود آن‌ها در امور حیاتی مومنین دخالت نموده و به تدریج در دل‌های آنان تاثیر بگذارند و در نتیجه مؤمنان را از قیام علیه کفار بازدارند» (همان، ج ۲: ۱۹۶).

#### جدول شماره ۱

مبانی انسان‌شناختی استنباط شده		برخی از آیات مرتبط
انسان دارای میدان آگاهی‌ها (حافظه، خیال، تفکر و...) میدان گرایش‌ها (احساسات، هیجان‌ها، صفات، امیال و...) و توانا بر انجام دادن عمل است.		آل عمران: ۱۵۹/ اسراء: ۴۶/ عصر: ۲-۳
تاثیر آگاهی بر گرایش غیر قطعی است و آگاهی در صورت فعال بودن گرایش‌ها متناسب با آن، بر گرایش دیگری تاثیر می‌گذارد.	آگاهی بر گرایش	فاطر: ۲۸/ اسرا: ۱۰۷/ هود: ۱۲۰
ارائه آگاهی در صورتی مفید خواهد بود که متناسب با گرایش‌های فعال هر فرد باشد و گرنه آسیب‌بخش بیش از فایده آن		

مبانی انسان‌شناختی استنباط شده	برخی از آیات مرتبط	
<p>است. هرچقدر آگاهی قطعی‌تر و روشن‌تر باشد به همان میزان به باور نزدیک‌تر خواهد بود و توجه بیشتر به شناخت و رجوع مکرر به آن باعث تقویت و تضعیف بیشتر گرایش خواهد شد.</p>		
<p>گرایش‌ها گوه‌ره وجود آدمی‌اند. انواع اصلی گرایش‌های انسان عبارتند از طلب خیر و تنفر شر گرایش‌های اصلی به دو دسته عمیق-پایدار / سطحی-زودگذر تقسیم می‌شوند. گرایش‌های انسان بعضاً باهم متناسب و هم جهت و گاهی متعارض و متزاحم می‌باشند. گرایش‌ها می‌توانند همدیگر را تقویت یا تضعیف کنند. بعضی از گرایش‌ها پیدا و آشکار و برخی مخفی و پنهانند. گذر از گرایش‌های سطحی-زودگذر به گرایش‌های عمیق پایدار کلیدی‌ترین وظیفه انسان در این دنیا می‌باشد.</p>	<p>گرایش برگرایش</p>	<p>حجرات: ۱۲ / بقره: ۱۵۴-۱۴۶- / ۲۸۴ انعام: ۲۰ / شعرا: ۸۸-۸۹ اسرا: ۲۱ / انبیا: ۱۰۲</p>
<p>انجام عمل خاص، هم گرایش پشتوانه خود و هم، همه گرایش های متناسب با آن را تقویت و گرایش‌های متضادش را تضعیف می‌کند.</p>	<p>عمل بر گرایش</p>	<p>بقره: ۱۲۱-۲۰۶-۲۶۵ / توبه: ۲۳ / نسا: ۱۴۰ انعام: ۶۸-۶۹ / مائده: ۴۱ اسرا: ۱۰۷-۱۰۹</p>

## ۵-۲. «دلالت‌های تربیتی روابط سه‌گانه تاثیرآگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش و عمل بر گرایش در زمینه راهبردهای تربیتی کدامند؟»

### ۵-۲-۱. توجه به عمل و بهره‌گیری مستمر از آن

از آن جایی که گرایش گوه‌ره وجود انسان و تاثیر عمل بر آن قطعی و تدریجی است، لذا توجه به عمل و بهره‌گیری از آن یکی از مهم‌ترین راهبردهای تربیت مبتنی بر انسان‌شناختی قرآنی است.

از آن جایی که اعمال بر گرایش‌ها تأثیر قطعی و تدریجی دارند می‌بایست بهره‌مندی از عمل (خصوصاً عمل برون‌دادی) را به عنوان مهم‌ترین راهبرد در نظر داشت. علاوه بر این، تکرار و مداومت اعمال برای ایجاد انس و تضعیف راحت‌طلبی موثر است. لذا می-

بایست با بهره‌گیری از عمل به عنوان تنها موثر قطعی بر گرایش‌ها، از گرایش سطحی و ناپایدار به گرایش عمیق و پایدار گذر کند. به نظر می‌رسد خداوند با تعیین برنامه‌های منظم (فرائض و مناسک) در زندگی انسان‌ها زمینه تعمیق و پایداری امیال ایشان را مهیا کرده است. بنابراین ارایه برنامه به کودک و نوجوان و زمینه‌سازی جهت انجام آن، در این سنین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### ۲-۲-۵. بسترسازی و استفاده از محیط به عنوان ابزار هدایت

از آن جایی که گرایش گوهره وجودی انسان است و شاکله انسان با دو بازوی آگاهی و عمل و با انتخاب وی شکل می‌گیرد، متربی زمانی به سراغ آگاهی و عمل می‌رود که به آن تمایل یا نیاز داشته باشد، بنابراین بسترسازی و تسهیل با توجه به شرایط متربی از لوازم تربیت است. به بیان دیگر از آن جایی که خداوند بنا ندارد با اجبار انسان را به فوز و سعادت برساند، بلکه خواست انسان، مورد توجه اوست، لذا نقش مربی هدایت‌گری است. هادی شرایط را آماده می‌کند و محیط یکی از ابزارهایی است که او می‌تواند برخی از برنامه‌های تربیتی خود را در آن تعبیه کند. به این ترتیب هادی زمینه عمل راحت‌تر را فراهم کرده تا متربی به تدریج عمل سخت را نیز انجام دهد یا زمینه تغییر نگاه متربی را فراهم می‌سازد تا او نسبت به نیازهای خود آگاه شود و به آن‌ها توجه نماید. برای مثال آیه ۲۱۵ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْأَيْتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (بقره / ۲۱۵) (از تو می‌پرسند: چه انفاق کنند بگو) (اولا باید می‌پرسید که به چه کسی انفاق کنیم در ثانی می‌گوئیم) هر چه انفاق می‌کنید به والدین و خویشاوندان و ایتمام و مساکین و در راه ماندگان انفاق کنید...». «چون خداوند سوال آن‌ها را بی‌مورد یافته است سوال را تغییر داده و به این سوال جواب داده است که به چه کسانی انفاق کنند؟» (شاکر، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴۹) و یا در ۲۳۹ بقره می‌فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» «و اگر در حال ترس بودید می‌توانید پیاده و سواره نماز گزارید و چون ایمن شدید خدا را یاد

کنید...» می‌فرماید: «محافظة بر امر نماز را با امکانات خود تنظیم کنید و به همان مقدار نماز بخوانید» (همان: ۱۷۱-۱۷۲)

### ۵-۲-۳. ارائه شناخت به صورت تدریجی و متناسب با گرایش‌ها و نیازها

از آن جایی که تأثیر آگاهی بر گرایش غیرقطعی است و آگاهی در صورت فعال بودن گرایش‌های متناسب با آن، بر گرایش دیگری تأثیر می‌گذارد و از آن جایی که ارائه آگاهی در صورتی مفید خواهد بود که متناسب با گرایش‌های فعال هر فرد باشد و گرنه آسیب بیش از فایده آن است؛ می‌بایست از عرضه آگاهی‌های غیرضروری پرهیز نمود و معارف ضروری را با درنگ و تدریج و با گره زدن به گرایش (گوه‌ره وجود آدمی) و نیاز تربیتی (مهتدی) ارایه کرد. نزول تدریجی قرآن نیز می‌تواند موید این امر باشد. با ملاحظه قرآن در می‌یابیم که در بسیاری از موارد خداوند در صدد تصحیح نگرش‌ها و بیان حقایق امور و اعمال همراه با گره زدن به یکی از گرایش‌های اساسی انسان می‌باشد، تا آن آگاهی با گرایش پیوندخورده و منشا عمل شود. آیات زیر از این نمونه‌اند:

در آیه ۳۲ فرقان می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» «و آنان که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشد؟ چنین نازل شد تا قلب تو را به آن استواری دهیم، و آن را به نظمی دقیق منظم کردیم» طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «اینکه فرمود: (كذلك لثبت به فؤادك) بیان تامی است برای علت به تدریج نازل شدن. توضیح این که: به طور کلی تعلیم هر علمی و مخصوصاً علمی که مربوط به عمل باشد از این راه صورت می‌گیرد که معلم مسائل آن علم را یکی یکی به شاگرد القاء کند، تا همه فصول و ابوابش تمام شود. در چنین صورت است که بعد از تمام شدن تعلیم و تعلم، یک صورت اجمالی از مسائل در ذهن شاگرد نقش می‌بندد. - البته همانطور که گفتیم صورت اجمالی نه تفصیلی - و در نتیجه در مواقع احتیاج باید دوباره به مسائلی که خوانده مراجعه نماید تا به طور مفصل آن را درک کند، چون با صرف تلقی از معلم، در نفس مستقر نمی‌شود به طوری که نفس بر آن معلومات نشو و نما نموده و آثار مطلوب بر آن مترتب شود بلکه محتاج است به اینکه وقت احتیاج

راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان‌شناختی قرآنی...؛ بهشتی و همکاران | ۸۵

به آن فرا رسد و آن معلومات را عملاً پیاده کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۹۰ و ۲۹۱) «از اینجا معلوم می‌شود که القای یک نظریه علمی در هنگام احتیاج و رسیدن هنگام عمل در دل شاگردی که می‌خواهد آن را بیاموزد بهتر ثبت می‌گردد و در قلب می‌نشیند، و پا برجاتر هم خواهد بود، یعنی به زودی فراموش نمی‌شود، مخصوصاً در معارفی که فطرت بشری هم مؤید آن باشد و بشر را بدان رهنمون شود که در چنین معارفی فطرت، آماده پذیرفتن آن است، چون نسبت به آن احساس احتیاج می‌کند» (همان: ۲۹۱) همچنین در آیه ۱۰۶ سوره اسرا می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» «و قرآن را به تدریج فرستادیم تا آن را به تدریج برای مردم بخوانی و آن را نازل کردیم نازل کردنی کامل». «و نزول آیات قرآنی به تدریج و بند بند و سوره سوره و آیه آیه، به خاطر تمامیت یافتن استعداد مردم در تلقی معارف اصلی و اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است، و به مقتضای مصالحی است که برای بشر در نظر بوده، و آن این است که علم قرآن با عمل به آن مقارن باشد..» (همان، ج ۱۳: ۳۰۵ و ۳۰۶) بنابراین ارائه تدریجی، زمینه عمل به آن شناخت را فراهم می‌کند و در ضمن عمل، انس و در ادامه گرایش متناسب با آن تقویت می‌شود، لذا یکی از راهبردهای مبتنی بر انسان‌شناسی قرآنی توجه به گرایش و ارائه معارف متناسب با آن می‌باشد تا معرفت با علاقه گره بخورد و باقی بماند. روشن است که مربی در ذائقه‌سازی و ایجاد علاقه و رغبت نیز می‌تواند از همین راهبرد استفاده کند.

#### ۵-۲-۴. عرضه خوب‌ها و خوبی‌ها جهت شکوفایی و تقویت امیال فطری

از آن جایی که انسان در طلب کمال است لذا با دیدن خوب‌ها و خوبی‌ها به سمتشان کشیده شده و با توجه نمودن به آن خیر و کمال، میل به آن خیر را در خود تقویت می‌کند. در آیات بسیاری خداوند با ترسیم بهشت به عنوان عاقبت اهل ایمان و عمل صالح، بر یکی از اعمال صالح تمرکز کرده و این گونه میل انسان‌ها را در جهت انجام آن عمل برمی‌انگیزاند. برای مثال در آیه ۹ سوره حشر خداوند به رستگاری در گرو ایتار توجه می‌دهد و گویی، طلبی در انسان بوجود می‌آورد تا خود را در ایتار شبیه انصار کند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا

وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». «و نیز سهمی از آن غنائم از آن کسانی از اهل مدینه است که در مدینه و در قلعه ایمان جای دارند و قبل از مهاجرین ایمان آورده بودند و هر مومنی را که از دیار شرک به سویشان هجرت می‌کند دوست می‌دارند و وقتی اسلام به آنان چیزی می‌دهد در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند هر چند که خود نیز محتاج باشند و کسانی که بخل درونی خود را به توفیق خدای تعالی جلو می‌گیرند رستگارند». «انصار، مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند که خود مبتلا به فقر و حاجت باشند و توصیف از توصیف سابق در مدح رساتر، و گرانقدرتر از آن است. پس در حقیقت این آیه در معنای این است که بفرماید: نه تنها چشم‌داشتی ندارند بلکه مهاجرین را مقدم بر خود می‌دارند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، جلد ۱۹: ۳۵۷) و یا در آیه ۱۵۴ سوره بقره با بیان اینکه حقیقت مرگ در راه خدا زندگی است، میل انسان به جاودانگی را تحریک نموده و او را نسبت به جهاد و مرگ در راه خدا بر می‌انگیزاند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». «به آنان که در راه خدا کشته شوند مرده نگوئید، بلکه زنده ابدی هستند و لیکن همه شما این حقیقت را درنخواهید یافت».

#### ۵-۲-۵. بهره‌گیری از مربیان (هادیان) اهل رشد و تزکیه

از آن جایی که انسان انتخابگر است و با توجه به کرامت انسان، مربی، هادی است و نقش الگو و تسهیل‌کنندگی دارد؛ لذا بسیاری از موارد را می‌بایست با عمل خود القا نماید. از طرفی شاکله آدمی رفتار و عمل او را می‌سازد و با توجه به اینکه از نگاه قرآن انسان، گرایش به کمال دارد با دیدن خوبی‌ها به سمتش کشیده می‌شود. همچنین با توجه به عبارت "ضُمَّهُ إِلَيْكَ" در کلام امام صادق (ع) «أَمَّهْلُ صَبِيكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ...» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۴۷۳).

به نظر می‌رسد، همراهی هادی با کودک و نوجوان در ۷ سال دوم، بسیار ضروری است و لذا مربی خود می‌بایست واجد اهداف اصلی این دوران باشد، تا بتواند مسیر رشد

کودک را تسهیل نماید. به عبارت دیگر اگر مربی اهل سختی دادن به خود نباشد نمی‌تواند شرایط را برای تسهیل‌گری رشد‌متری فراهم نماید. یا اگر مربی خود دارای فضائل اخلاقی نباشد، متربیان سعی نمی‌کنند خود را در صفات به او نزدیک کنند.

### ۵-۲-۶. بهره‌گیری از قالب‌های متنوع انتقال محتوا

از آن جایی که انسان دارای ابعاد سه‌گانه گرایش، شناخت و عمل و تأثیرات متقابل آن‌ها بر هم می‌باشد؛ جهت ارائه محتوا می‌بایست از قالب‌های متنوع که همه این ابعاد را شامل شود استفاده نمود. این قالب‌ها به تقویت تفکر و تعقل، بهره‌گیری از میل حبّ نفس و محبوب بودن، حذف خودبینی، و تأثیرگذاری بیشتر عمل برون‌دادی بر گرایش نسبت به درون‌داد اشاره دارد. ارائه مثال و تشبیه، قصه‌گویی، گفت‌وگو، استدلال، مسابقه، بهره‌گیری از جمع، القاء غیرمستقیم و... برخی از قالب‌های متنوع انتقال محتواست.

### ۵-۲-۷. زمینه‌سازی جهت گذر کردن از علایق سطحی و ناپایدار به علایق

#### عمیق و پایدار

از آن جایی که امیال اصلی انسان عبارتست از گرایش به خیر و تنفر از شر و امیال سطحی و ناپایدار در واقع مصادیق رویین همین گرایش‌های اصلی است و مأموریت انسان دست‌یابی به مقام عبودیت و سلامت قلب است. لذا لازم است مربی در جایگاه هادی، دائماً متربی را از امیال سطحی و ناپایدار به عمیق و پایدار گذر دهد. به نظر می‌رسد آیاتی که انسان را به معاد و آخرت توجه می‌دهد از این راهبرد استفاده نموده‌است. آیات مبارکه ۱۱۰ اعراف و ۲۶ (ص) از جمله آیاتی هستند که توجه انسان را به آخرت جلب می‌کنند. در واقع خداوند در این آیات اشاره می‌کند عمل ناپایدار این دنیا حقیقت پایداری در آخرت دارد. لذا امیال عمیق‌تر انسان را بر می‌انگیزاند. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا». «بگو: جز این نیست که من مانند شما بشری هستم (دعوی احاطه به جهان‌های نامتناهی و کلیه کلمات الهی نکنم، تنها فرق من با شما این است) که به من وحی می‌رسد که خدای شما خدای یکتاست، پس

هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند» و «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ». (و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد».

همچنین خداوند در آیه ۱۱۷۶ اعراف تصریح نموده‌است اگر اهل زمین باشی به آسمان نمی‌رسی: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمَلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ». «و اگر می‌خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می‌بخشیدیم، لیکن او به زمین (تن) فروماند و پیرو هوای نفس گردید، و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند». «اگر این جهان و زمین را نماد فناپذیری و آخرت و آسمان را نماد فناپذیری بدانیم، این آیه بر لزوم گذشتن از گرایش‌های سطحی و ناپایدار به عمیق و پایدار دارد».

## جدول شماره ۲

راهبرد	مبنا
بهره‌گیری از قالب‌های متنوع انتقال محتوا	انسان دارای ابعاد سه‌گانه (گرایش، شناخت و عمل) و تاثیرات متقابل آن می‌باشد.
ارایه شناخت به صورت تدریجی و متناسب با گرایش‌ها و نیازها	تاثیر آگاهی بر گرایش غیر قطعی است و آگاهی در صورت فعال بودن گرایش‌ها متناسب با آن، بر گرایش دیگری تاثیر می‌گذارد. ارائه آگاهی در صورتی مفید خواهد بود که متناسب با گرایش‌های فعال هر فرد باشد و گرنه آسیب‌ش بیش از فایده آن



راهبرد	مبنا	
	<p>است. هرچقدر آگاهی قطعی‌تر و روشن‌تر باشد به همان میزان به باور نزدیک‌تر خواهد بود و توجه بیشتر به شناخت و رجوع مکرر به آن باعث تقویت و تضعیف بیشتر گرایش خواهد شد.</p>	
<p>بهره‌گیری از مربیان (هادیان) اهل رشد و تزکیه بسترسازی و استفاده از محیط به عنوان ابزار هدایت زمینه‌سازی جهت گذر کردن از علایق سطحی و ناپایدار به علایق عمیق و پایدار عرضه خوب‌ها و خوبی‌ها جهت شکوفایی و تقویت امیال فطری</p>	<p>گرایش‌ها گهره وجود آدمی‌اند. انواع اصلی گرایش‌های انسان عبارتند از طلب خیر و تنفر شر گرایش‌های اصلی به دو دسته عمیق-پایدار/ سطحی-زودگذر تقسیم می‌شوند. تعلق به گرایش‌های اصلی موجب صفات مختلف در انسان می‌گردد. گرایش‌های انسان بعضاً باهم متناسب و هم جهت و گاهی متعارض و متزاحم می‌باشند. گرایش‌ها می‌توانند همدیگر را تقویت یا تضعیف کنند. توجه به یک گرایش آن را تقویت می‌کند. بعضی از گرایش‌ها پیدا و آشکار و برخی مخفی و پنهانند. گذر از گرایش‌های سطحی-زودگذر به گرایش‌های عمیق پایدار کلیدی‌ترین وظیفه انسان در این دنیا می‌باشد.</p>	
<p>توجه به عمل و بهره‌گیری مستمر از آن</p>	<p>انجام عمل خاص، هم گرایش پشتوانه خود و هم، همه گرایش‌های متناسب با آن را تقویت و گرایش‌های متضادش را تضعیف می‌کند.</p>	

گرایش  
برگرایش

عمل بر  
گرایش

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی چگونگی انسان موجب کوتاه‌تر شدن فاصله تئوری‌ها تا عمل تربیتی خواهد شد. آدمی دارای ابعاد سه‌گانه گرایش، شناخت و عمل می‌باشد. در این مقاله، متناسب با راهبردهای تربیتی برآمده از انسان‌شناختی قرآنی، به تأثیرات آگاهی بر گرایش، گرایش بر گرایش، عمل بر گرایش پرداخته شد. تعلق، محور کلیدی وجود انسان و شناخت و عمل به عنوان دو مسیر جهت تقویت یا تضعیف تمایلات انسانی به شمار می‌آیند. آگاهی‌ها به‌طور فوری و غیرقطعی و عمل انسان به‌طور تدریجی و قطعی بر تمایلات تأثیر می‌گذارند. توجه

به عمل و بهره‌گیری مستمر از آن، بسترسازی و استفاده از محیط به عنوان ابزار هدایت، اراییه شناخت به صورت تدریجی و متناسب با گرایش‌ها و نیازها، عرضه خوب‌ها و خوبی‌ها جهت شکوفایی و تقویت امیال فطری، بهره‌گیری از هادیان اهل رشد و تزکیه، بهره‌گیری از قالب‌های متنوع انتقال محتوا و زمینه‌سازی جهت گذر کردن از علایق سطحی و ناپایدار به علایق عمیق و پایدار از راهبردهای برآمده از انسان‌شناختی قرآنی است.

## ORCID

Saeed Beheshti  <http://orcid.org/>  
Hasan Maleki  <http://orcid.org/>  
Hasan Asadzade  <http://orcid.org/>  
Majede Fatemi  <http://orcid.org/0000-0001-5976-9613>

## منابع

### قرآن کریم.

الموسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۳). چاپ یازدهم. *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*. تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

باقری، خسرو. (۱۳۸۲). *تدوین مبنای انسان‌شناختی اسلام برای علوم انسانی*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *هویت علم دینی*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بهشتی. (۱۳۸۵). *فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز*. قیسات. سال یازدهم. بهار و تابستان. ۱۰۹-۱۲۴.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. ج ۱۲. قم: نشر اسرا.

حایری شیرازی، محی‌الدین. (۱۳۷۲). *انسان‌شناسی*. انتشارات شفق.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *تعلق محور تحول در انسان*. چاپ دوم. قم: نشر معارف.

حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۵). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. چاپ هشتم. قم: موسسه ایمان جهادی.

خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۹). *چیستی انسان‌شناسی*. *انسان پژوهی دینی*. شماره ۲۴. پاییز زمستان ۸۹، ۳۵-۵۶.

داناوی فرد، حسن. (۱۳۹۵). *روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا*. *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۲۲. شماره ۸۶ بهار ۹۵.

دلبری. (۱۳۹۵). *دلالت‌های تربیتی معناشناسی "قلب" در قرآن کریم*. *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. شماره ۹. پاییز و زمستان ۹۵. ۸۱-۱۰۶.

رابرتسون، دیوید. (۱۳۷۵). *فرهنگ سیاسی معاصر*. (عزیزکیاوند مترجم). تهران: نشر البرز.

صادق زاده و همکاران. *سند مبنای نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*.

شاکر، کمال مصطفی. (۱۳۸۹). *خلاصه تفسیر المیزان*. ج ۱-۴. (مشایخ، مترجم). چاپ هفتم. تهران: اسلام.

صدری افشار، غلامحسین. (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ و معاصر.  
صدری فر، موسوی. (۱۳۹۲). راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن. *مجله اخلاق و حیانی*. سال اول.  
تابستان ۹۲. شماره ۴. ۱۶۲-۱۲۳

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: موسسه ال بیت علیهم السلام.  
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *خودشناسی برای خودسازی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). *اخلاق در قرآن*. ج ۱. چاپ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). *معارف قرآن*. ج ۷. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۰). *انسان‌سازی در قرآن*. چاپ سوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). *فطرت*. تهران: صدرا.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹). *آشنایی با عرفان اسلامی*. تهران: صدرا.

معصومی زارع، هادی. (۱۳۹۵). *محبت به مثابه بنیاد امنیت بررسی جایگاه محبت در ساختار امنیتی نظام ولایی*. تحقیقات بنیادین علوم انسانی. شماره ۲. بهار ۹۵. ۱۸۳-۲۰۴

## Holy Quran

Bagheri, Khosrow (2003). *Composition of anthropological basis of Islam for Humanities*, Tehran: Teaching and Education Research Center.

Bagheri, Khosrow (2003). *Identity of religious science*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Publication.

Javadi Amoli, Abdollah (1999). *Thematic commentary of the Holy Quran*, Volume 12, Esra Publication.

Haeri Shirazi, Mohiyeddin (2018) 2<sup>nd</sup> edition. *Dependence of transformation axis in mankind*. Qom, Maaref Publication.

Haeri Shirazi, Mohiyeddin (1993). *Anthropology*, Shafagh Publication.

Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2016) 8<sup>th</sup> edition. *General design of Islamic thought in Quran*. Qom: Iman Jahadi Institution.

- Robertson, David (1996). *Contemporary political culture*. (Aziz Kiavand, Translator). Tehran: Alborz Publication.
- Shaker, Kamal Mostafa (2010) 7<sup>th</sup> edition. *A summary of Tafsir al-Mizan* Volumes 1-4. (Mashayekh, Translator) Tehran: Islam.
- Sadri Afshar, Gholamhossein (2002). *Contemporary Persian Dictionary*. Tehran: Contemporary Culture Publication.
- Tabatabaei, Mohammadhossein (1995) 5<sup>th</sup> edition. *Al-mizan* (Mousavi Hamedani, Seyyed Mohammadbagher, Translator) Qom: Teachers of Islamic Seminary of Qom association.
- Ameli, Mohammad ibn-Hasan (1989). *Wasa'il al-Shia (Means of Shiite)*, Qom. Ahl al-Beit Institution.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (2000) 3<sup>rd</sup> edition. *Self-examination for self-construction*. Qom: Imam Khomeini Research and Education Institution.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (2011) 3<sup>rd</sup> edition. *Humanization in Quran*. Qom: Imam Khomeini Research and Education Institution.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (2001). *Teachings of Quran*, Volume 7. Qom: Imam Khomeini Research and Education Institution.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (2001) 8<sup>th</sup> edition. *Ethics in Quran*, Volume 1, Qom: Imam Khomeini Research and Education Institution.
- Motahari, Morteza (1997). *Fitrah (Constitution)*. Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza (2000) *Introduction to Islamic mysticism*. Tehran: Sadra.
- Mousavi al-Khomeini, Seyyed Rouhollah (2004) 11<sup>th</sup> edition. *The greater Jihad or fighting ego*. Tehran: Adjustment and publication of Imam Khomeini's works.
- Beheshti (2006). Teaching and education philosophy in the world of today. *Qabsat*, 11, Spring and Summer 2006, pp.109-124
- Danaeifard (2016). Methodology of signification studies in social sciences and humanities: bases, definitions, importance, approaches and execution steps. *Methodology of Humanities*, 22(86), Spring 2016
- Delbari (2016). Educational implications of semantics of 'qalb' in Holy Quran. *Exegesis and Language of Quran Bulletin*, No. 9, Fall and Winter 2016-2017, pp. 81-106.
- Theoretical bases of fundamental transformation in the official public teaching and education system of Islamic Republic of Iran
- Sadrifar, Mousavi (2013). Educational strategies from the perspective of Quran. *Ethics of Revelation Journal*, 1, Summer 2013, 123-162.
- Masoumi Zareh, Hadi (2016). Affection as the foundation of safety; review of the status of affection in the safety structure of guardianship system. *Fundamental research in Humanities*, No. 2, Spring 2016, 183-204.

Khosrowpanah, Abdolhossein (2010). Quiddity of Anthropology, *Religious Anthropology*, No. 24, Fall and Winter 2010-2011, 35-56.

**استناد به این مقاله:** بهشتی، سعید، ملکی، حسن، اسدزاده، حسن، فاطمی، ماجده. (۱۴۰۰). راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان‌شناختی قرآنی با تأکید بر نقش‌گرایی‌ها در وجود انسان، *فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، ۱۳(۴۸)، ۶۵-۹۴.

DOI: 10.22054/RJQK.2022.64958.2488



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.